

## ■ آغازگران صلح

پایه‌ریزی زندگی ما زن‌ها با قصه‌های مادرانه و خاطرات گذشته است. برای همین هم هست که سعی کرده‌ام به قصه‌گویی برای کودکان توجه داشته باشم. صبر، استقامت، شکیبایی و بسیاری از درس‌های اخلاقی را از همین قصه‌های مادرانه گرفته‌ایم. مادر من هم از زنانی بود که برای ما قصه زیاد تعریف می‌کرد. اتفاقاً همین تازگی‌ها به او گفتم که می‌خواهم یکی از شعرهایی را که برایم می‌خواند در نطق پیش از دستور بخوانم. یکی از قصه‌های مادرم که برایم خیلی جالب بود داستان قرآنی بلقیس است. با مدیریت و تدبیری که داشت، سلیمان را به کجا توانست برساند! همان تدبیری که می‌گوید هدیه بفرستید به جای اینکه جنگ کنید. چقدر جالب است و نشان می‌دهد زن‌ها آغازگر صلح‌اند. با این نگاه‌ها و جایگاه مادر که در زندگی ما دارد، باید این سؤال را پرسید که تا چه اندازه در مدیریت شهری دید زنانه و مادرانه وجود دارد و به این قشر توجه شده‌است.

به نظر ما، به ارتقای نگاه مادرانه در امور شهری نیاز داریم. در پایه‌ریزی مدیریت شهرها به مادرانه‌های شهر نیاز داریم. خاطرم هست در اجلاس شهرداران کلان‌شهرها هرکدام از شهرداران به موضوعی در حوزه ساخت‌وساز شهری اشاره می‌کرد. وقتی نوبت من شد، گفتم: ای کاش یک شهردار زن بین شما بود تا در کنار نگاه سخت‌افزاری، به روح شهر هم توجه می‌کرد. روح شهر همان نگاه مادرانه‌ای است که آن را کم داریم.

## ■ اینجا مرکز دنیا

باید ببینیم مردم را باید دوست داشته باشیم. در جریانات سیاسی و در نگاه‌های کاری، این موضوع را پذیرفته‌ام که دوست داشتن مردم مهم‌ترین حقی است که به گردن من به عنوان نماینده آن‌هاست. ضمن اینکه اول خدمت دیده می‌شود، بعد نگاه سیاسی خودش را نشان می‌دهد. همیشه از خودم می‌پرسم قرار است برای مردم چه کاری انجام دهم. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند هرکجا هستی آنجا را مرکز دنیا بدان. من از همان روزی که در شهرداری به عنوان یک کارشناس با قرارداد پیمانکاری وارد شدم تا همین الان به دنبال پاسخ به این سؤال و تغییر بوده‌ام. سال ۸۳ که وارد شهرداری شدم از بدنه کارشناسی شروع کردم و به این موضوع افتخار می‌کنم. هشت ماه بدون هیچ قرارداد و حقوقی کار کردم. البته که خودم هم با همین شرط وارد کار شدم. گفتم:

مدتی بدون دریافتی کار می‌کنم. اگر راضی بودید، می‌مانم. اگر نه هم می‌روم. استخدامی بانک داشتم. رشته مدیریت خوانده بودم ولی دغدغه کار فرهنگی داشتم. ما از بچه‌های مدرسه نمونه اندیشه بودیم و مدیر ما، خانم معدنیان، دغدغه‌هایی در ذهنمان ایجاد کرده بود.

او در کنار کار علمی، به مباحث اخلاقی و تربیتی ویژه می‌پرداخت. آن زمان معلم فیزیکی به نام آقای عتیقی داشتیم که در ساعت‌های کلاس، وقتی از فیزیک خسته می‌شدیم، چند دقیقه‌ای برای ما از نجوم صحبت می‌کرد و من از آنجا به نجوم علاقه‌مند شدم. با همین نجوم وارد شهرداری شدم. اولین برنامه‌ام افتتاح خانه نجوم مشهد زمان دکتر عدالتی بود.

هیچ سرفصل بودجه‌ای نداشتیم و چهار سال با بودجه صفر بودیم اما براساس سرفصل‌های درسی بچه‌ها، قصه‌های نجومی و سرفصل‌های درسی ایجاد می‌کردیم. یک تلسکوپ تال داشتیم با چند عکس اما روزی هفتصد دانش‌آموز پذیرش می‌کردیم و برنامه رصد داشتیم. اعتقاد دارم نجوم نوعی آموزش و اثرگذاری غیرمستقیم است. یک راه برای خودشناسی، خداشناسی و جهان‌بینی ویژه است. توجه به این نکته که ما مثل یک مورچه‌ایم در عالم هستی ولی قرار است به اندازه خودمان در این عالم تغییری شگرف ایجاد کنیم.

## ■ تولد یک کمیسیون

در سال‌های خدمت در چهار معاونت شهرداری کار کرده بودم و تجربه داشتم. وقتی وارد شورا شدم، در هر کمیسیون تخصصی‌ای که می‌خواستیم می‌توانستیم وارد شوم ولی به همان نگاهی برگشتم که بیشترین کسی که می‌تواند جریان‌سازی کند مادر است. این سؤال را مطرح کردم که در نگاه عدالتی، آیا نیازها، شرایط و نگاه‌های مادرانه در شهر دیده شده‌است؟ این شد که به دنبال راه‌اندازی یک گفتمان جدید در کشور با عنوان تعالی زیست‌پذیری شهری در حوزه زنان و خانواده رفتیم. در معماری قدیم، نیازهای زنان و خانواده در اندرونی و بیرونی خانه‌ها دیده شده بود ولی در خانه‌های کوچک هفتادمتری الان، نیازهای زن و خانواده باید در فضاهای شهری دیده شود. برای این دیده شدن، نیاز است خود زنان دست‌به‌کار شوند. مردها نوع و جنس نگاه ما زن‌ها را نمی‌شناسند. نیاز بود با نگاهی زنانه وارد شویم و فکر کنیم ولی برای اجرای این برنامه‌ها به برادرانه‌هایی نیاز

داریم و باید گفتمان‌سازی کنیم و با یکدیگر هم‌افق شویم. زیرا شهری مادرانه بی‌شک برای همه مفید خواهد بود. برای همین، در سه حوزه بودجه، ساختار و برنامه وارد شدیم.

برای اولین بار، برش بودجه بانوان در شهرداری مشهد را ایجاد کردیم. پیگیری راه‌اندازی ساختار اداره کل بانوان در شهرداری‌های کشور شدم و در برنامه ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۵ شهرداری، برای اولین بار بخش بانوان دیده شد. بعد از آن، کمیسیون ویژه بانوان و خانواده را برای اولین بار در کشور در شورای ششم ایجاد کردیم. خاطرم هست زمانی که می‌خواستیم این کمیسیون راه‌اندازی کنیم، خیلی‌ها که برخی از آن‌ها خانم‌ها بودند، می‌گفتند: نکن، نمی‌شود و حمایت نمی‌کنند. ایستادیم و جنگیدیم و همراهی ایجاد کردیم. ما در چند حوزه سخت‌افزاری با هدف توسعه زیرساخت‌ها برای ارتقای زیست‌پذیری شهری بانوان و خانواده، نرم‌افزاری با هدف هویت‌بخشی برای تکریم مقام زن و موضوعی با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی، سلامت و تحکیم بنیان خانواده، اشتغال، اقتصاد و توانمندسازی بانوان و حمایت از ورزش بانوان وارد شدیم.

## ■ ۸۰ میلیارد اعتبار

تاکنون که یک سال از تولد کمیسیون ویژه بانوان می‌گذرد، به صورت ویژه ۸۰ میلیارد تومان در این زمینه اعتبار گرفته‌ایم که در سال ۱۴۰۲ این اعتبار قطعا چند برابر خواهد شد. این نوید را برای بانوان شهرم دارم که در سال آینده دو کلان‌پروژه که پارک ویژه بانوان است خواهیم داشت که یکی از این پارک‌ها در حاشیه شهر و در اختیار بانوان ساکن این مناطق خواهد بود. همچنان به فکر گسترش فضاهای ویژه بانوان در مشهدالرضا(ع) هستیم و افتخار می‌کنم که لباس خادمی آقا در خدمت به مردم شهر مشهد در تن من است.

## قورمه سبزی ام را هم می‌پزم

زن‌ها باید درک و دیده شوند و از طرفی هوای خودشان را داشته باشند. من یک مادر شاغل هستم و می‌دانم که شرایط زندگی برای مادرانی که شاغل هستند واقعا سخت‌تر است. این زن‌ها در مقایسه با مادران خانه‌دار باید چگالی زندگی خود را افزایش دهند. البته همه زنان باید توجه کنند که باید در زندگی مدیریت کنند. من همیشه به دخترم می‌گویم هیچ وقت کاری را به تنهایی انجام ندهد و هم‌زمان چند کار را پیش ببرد. کلاس نهم است. اگر کوچک بود، شورانمی‌آدم و مادری‌ام را می‌کردم. به نظرم، ما زن‌ها باید زندگی کردن را در اولویت همه برنامه‌ها بگذاریم. با همه فشارهای کاری و اینکه از ۷ صبح تا ۱۱ شب سرکار هستیم، از زندگی کردن عقب نمانده‌ام. همچنان قورمه سبزی‌ام را می‌پزم. با دخترم ناهار می‌خورم. تفریحات خانوادگی هرچند کوچک در حد یک دور زدن داریم. پنجشنبه‌ها سعی می‌کنم حجم کارم را کمتر کنم و دختر مامان و بابایم باشم. البته این نکته را هم بگویم که برکت کار فرهنگی برای من ازدواج بود و در سال ۸۴ توانستم با مردی ازدواج کنم که بسیار همراه من است.

